

شهید رحمت الله مزارعی



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	مختار
تاریخ تولد	۱۳۳۴/۱۰/۲۹
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۵۹/۰۷/۲۴
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	کادر دریایی ارتش
شغل	کادر دریایی ارتش
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	بrazجان

زندگینامه

زندگینامه شهید

بسم رب الشهداء

زندگی نامه شهید رحمت الله مزارعی :

وی در سال ۱۳۳۴ در شهر قهرمان پرور آبادان در یک خانواده کارگری و مستضعف دیده بجهاندگشود و اولین فرزند خانواده بود تولدش منبع چند برکت برای خانواده اش بود تا قبل از تولد رحمت پدرش مخارج روزانه خانواده را به سختی فراهم می کرد با ولادت رحمت که او را نعمت صدا می کردند رزق و روزی این خانواده فرونی یافت . دوران طفولیت را سپری نمود و در اوان زندگی آثار نبوغ و ذکاوت سذشاری در میان آن بچه هویدادبود و حس کنجکاوی عجیبی داشت در سال ۱۳۵۳ به استخدام نیروی دریایی در آمد ولی به علت جو حاکم بر آنان نسبت به خدمت بی تفاوت بود و دائماً غیبت می نمود و به همین دلیل او را دادگاهی و تحت بازجویی کمیسیون ۵ نفری قرار دادند وی نیز چندیدن بار تقاضای استعفا داد ولی با خواسته او موافقتدند . با شروع انقلاب شکوهمند اسلامی ایران بهع رهبری امام عظیم اشان خمینی بت شکن فعالیت انقلابی خود را شروع نمود و همیشه رهنمود های امام را سرمشق زندگی خود قرار می داد وی دائماً با کسانی که کم کاری می کردند در ستیز بود پس از پیروزی انقلاب او حکایت از آگاهی وی نسبت به مسائل سیاسی دارد قبل از شروع جنگ تحمیلی در پست اسکورت فرمانده پایگاه نیروی دریایی خرمشهر بود با شروع جنگ تحمیلی و و یورش ناجوانمردانه بعثیهاوی از پست استعفا داد و داوطلبانه در خط مقدم جبهه با دیگر برادران تکاوری نیروی دریایی شرکت کرد و باعث دلگرمی دوستان و هم سنگراناش شد حتی در آخرین روزهای زندگیش تمام همزمان وی صحبت از ایثار و شجاعت وجوانمردی او می کردند سرانجام در روز ۲۴/۷/۵۹ پس از فداکاریها و از خو گذشتگیها که بحد توان داشت مردانه جنگید و بدرجه رفیع شهادت نائل و به لقا الله پیوست . هنوز نوای دلنشین او در پهن دشت فلک طنین انداز است . روحش شاد و راهش مستدام باد.

وصیت نامه

بسم رب الشهداء

به پدرش گفت پدر هرچه زودتر مادرم و بچه های کوچک را بردار و از آبادان خارج شو من و همقطارانم تا جان در بدن داریم نخواهیم گذاشت این کافران از خدا بی خبر به شهرم وارد شوند پدرم وظیفه جوانان بخصوص نظامیان است که از این میهن اسلامی دفاع کنند و نگذارند که منافقین و کافران خدشه به این انقلاب وارد آوردند پدر در حال حاضر ما فقی با سلاح ایمان توانسته ایم از پیشرویهای بعثیهای مشرک جلوگیری بعمل آوریم . بنی صدر خائن هرروز به ما وعده وعید میدهد که نیرو در حال رسیدن است مقاومت کنید ولی جوانان پاک ما بخاک و خون کشیده می شوند پدرم آبروی اسلام در گرو همت ما است او را یاری می کنیم گا چون کوفیان نیستیم که اول امام حسین را دعوت نمده اند و بعد تنهایش بگذارند پدر تنها کاری که از دست شما یر می آید این است که بچه ها را از مهلکه نجات دهی و برای دیگر رزمندگان دعا بکنی که شهید شویم و عزیز ست شما را می بوسم و از تو می خواهم مرا حلال کنی خدا حافظ و در آخرین لحظات زندگیش به همسنگراناش گفته بود دریغا خرمشهر اما می دانم شما آن را پس خواهید گرفت .

خاطرات

بسم رب الشهداء

خاطرات برادر شهید رحمت الله مزارعی:

شهید رحمت الله مزارعی فرزند مرحوم حاج مختار متولد ۱۳۳۴ می باشد. شهید در تاریخ ۱۳۵۳ وارد خدمت در نیرو دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران گردید و پس از دوران تخصصی به درجه منهای دوم مفتخر گردید. وی جهت ادامه خدمت به پایگاه دریائی بندر عباس منتقل شد و مشغول انجام وظیفه گردید. تا اینکه رژیم بعثی صدام با پشتیبانی مردم دار کفر جهانی امریکای جنایت کار و ایدادش در منطقه در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران حمله نظامی نمود که شاید بتواند خوزستان را اشغال و نظام جمهوری اسلامی را شکست دهد غافل از اینکه ایران اسلامی چه جوانان سرمست وفداکار که در راه اهداف نظام جمهوری جان خود را فدا می کنند. شهید رحمت الله مزارعی پس از این که عراق به ایران حمله کرد از بندر عباس خود را به آبادان رسانید. تا با متجاوزان بعثی وارد جنگ بشوند مدت ۲۴ روز در خونین شهر علیه دشمن بعثی جنگید و در مورخه ۲۴/۷/۵۹ در منطقه خونین به دست کافران بعثی به درجه رفیع شهادت نائل آمد شهید در آخرین دیداری که با خانواده و پدر مرحومش داشت چنین فرمود که پدر جان شما برادران و اهل خانواده را از شهر آبادان خارج سازید زیرا شهر در موقعیت خطرناکی است و شهر های ما نیاز به دفاع دارد و ما باید از شهر خود دفاع کنیم و در این را جانمان را فدا کرده تا شهر و کشور به دست بیگانگان نیافتد.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران